

نشانه‌های احیای برجام



روزنامه دنیای اقتصاد در یادداشت دیروز خود از بازگشت هیئت‌های مذاکره‌کننده به پایتخت‌ها برای انجام مشورت‌های سیاسی پس از یک ماه مذاکرات بی‌وقفه و طولانی تا آزادسازی دلارهای ایران در عراق و مذاکرات ایران و کره‌جنوبی بر سر دارایی‌های بلوکه‌شده و سفر قریب‌الوقوع امیر قطر به واشنگتن و دیدار با رئیس‌جمهوری آمریکا به عنوان نشانه‌های احیای برجام یاد کرده و نوشته است:افزایش این فعل و انفعالات همراه با ازبایی مثبت تیم‌های حاضر در مذاکرات وین پس از اعلام تنفس چندروزه نشان می‌دهد برجام در روند احیا قرار گرفته و مذاکره‌کنندگان با از سرگیری مجدد این گفت‌وگوه‌ا می‌توانند تا یک ماه آینده زمینه را برای رسیدن به توافق فراهم کنند.

نویسنده دنیای اقتصاد نتیجه گرفته است: تشدید فعل و انفعالات و تحرکات دیپلماتیک و بروز و ظهور نشانه‌ها و سیگنال‌ها در هفته‌های اخیر که سرعت قابل توجهی پیدا کرده، نشانگر بازگشت واقع‌بینی به ادراک و رفتار بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برای احیای توافق و استفاده از ظرفیت‌های ثبات‌زای آن برای مدیریت تنش‌هاست.

سیاست‌ورزی کم‌فروغ هریس



روزنامه صبح‌نو در سرمقاله دیروز خود سراغ رفتار سیاسی معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا در یک سال گذشته رفته و نوشته است: یک سال از آغاز به کار دولت جو بایدن در امریکای می‌گذرد؛ دولتی برآمده از رقابت سنگین با دونالد ترامپ که گمگانه‌های بسیار قوی از احتمال کاندیدا شدن مجدد او در انتخابات ۲۰۲۴ حکایت دارند. در طول یک سال فعالیت دولت بایدن، یک سؤال سیاسی توجهات را به خود جلب کرده و آن اینکه چرا کاملاً هریس، معاون اول بایدن، ظهور و بروز رسانه‌ای کمی دارد و کم‌فروغ ظاهر شده است؟ یکی از دلایلی که تحلیلگران برای ضعف حضور هریس بیان می‌دارند، اختلافات شدید او با شخصیت بایدن است. اختلافات هریس و بایدن پیرامون موضوعات مختلف به حدی بوده که در برهه‌هایی، کنار رفتن هریس از معاون اولی بسیار قوت گرفت. دلیل دیگر کم‌فروغی هریس، می‌تواند مربوط به ویژگی‌پوستی او باشد. جامعه امریکایی فارغ از جمهوریخواه و دموکرات، همچنان اسیر نژادپرستی است و از این منظر، هریس کار سختی برای نفوق سیاسی در پیش دارد. با وجود همه موانع که خانم معاون اول در پیش دارد، بی‌شک او یکی از گزینه‌های بالقوه برای نامزدی حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی آمریکا خواهد بود.
بایدن در صورت آمدگی برای نامزدی، در انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری آمریکا ۱۲ساله خواهد شد و در سال ۲۰۲۸ ۵۰گن‌تاک مرتبه قدرت ۸۶ساله می‌شود، یعنی مسن‌ترین رئیس‌جمهوری تاریخ ایالات‌متحده، به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران حزب دموکرات از جمله برخی نزدیکان معاون رئیس‌جمهوری دولت بایدن تردید دارند که آقای بایدن واقعاً در انتخابات سال ۲۰۲۴ شرکت کند. در این صورت، کاملاً هریس نامزد محتمل برای جانشینی او در صدر فهرست خواهد بود.

تقلاهای آخر

روزنامه رسالت در یادداشت خود به حمله هکری چندانتباهی به رسانه ملی اشاره کرده و نوشته است: این هم جلوه‌ای از قدرت خداست. سازمانی که در دهه ۶۰ مثل آب خوردن مردم را به گلوله می‌بستد در درازاب و خناب، دست‌کم کمی نداشت‌نشاست، حالا به اندازه چندثانیه عکس‌ان زوج مفلوک را بر صفحه تلویزیون ایران می‌ورد و چنان کوباه که اگر در آن لحظه اتفاق‌داشتنی یکلی می‌زدی، ممکن بود آن صحنه مضحک را از دست بدهی. مغزت که زید شده، دورانت که گذشته باشد، ماجرات که سرآمد باشد، همین است‌که خود به چهره‌های کوچک دل خوش می‌کنی و مضحک می‌شوی. درکت رازواقعبت از دست می‌دهی و دیگر توان تحلیل نداری. خاصیت ظلم همین است که تاریخ انقضا دارد. نویسنده اضافه کرده است: منصفین در مرصاد محو شدند و مهر «باجل شد» بر سینه‌شاهنشاهان نقش بست. منافقین این روزها، مانند زورمندی شده‌اند که زمانی بر طبل جنگ می‌کوفت و اکنون، با تکه چوبی در خانه‌ها را می‌بند می‌گریزد. اِلات جمله، کاش دست کم حرمت خود را نگه می‌داشت و در اوج خداحافظی می‌کرد و اینگونه مذلت خود را به اثبات نمی‌رساند. نه اینکه نقل امروز باشد، شهادت شهید صیاد هم تقلای پس از شکست بود. رعد صیاد بیشتر کاشانه آنها را به آتش کشیده بود. همانگونه که شهادت سردار دل‌ها توسط ترامپ، لگد یک شکست‌خورده بود.

نبرد «جهاد تبیین» و «جنگ شناختی» در شیارهای خاکستری مغز

روزنامه کیهان در یادداشت دیروز خود جنگ‌شناختی را به عنوان یکی از ابزارهای مهم نوبن جنگ مردم‌مورد واکاوی قرار داده و نوشته است: یکی از ویژگی‌های این جنگ در هم آمیختن فضای زمانی و صلح است. وقتی از جنگ سخن به میان می‌آید، اذهان به طور سنتی تصاویری از درگیری‌های نظامی را به خاطر می‌آورند؛ بمباران هوایی، موشکباران، نبرد نیروهای پیاده و رزمی، درگیری‌های دریایی… وقتی خبری از این تصاویر نباشد، به طور خودبه‌خود مفهوم صلح جای آن می‌گیرد. این جنگ‌شناختی این دو فضای زمانی از یکدیگر جدا نیستند. به نظر می‌رسد در این میدان به طور مشخص دو گروه مورد همه‌جمله قرار می‌گیرند، رهبران مردم، ممکن است در آن واحد هر دو گروه با یکی از آنها هدف این جنگ باشند. هدف قرار دادن رهبران در ابتدای امر هدفی سهل‌الوصول‌تر است. ادراکات سران یک جامعه مورد تهاجم قرار می‌گیرد تا در ذهن آنان احتمال رسیدن به هدف اصلی کم‌رنگ شده و چارهای جز سازش و تسلیم در برابر مهاجم، پیش پای خود نبینند، البته ماجرا همیشه به این سرراستی و وضوح نیست. گاهی وقت‌ها نیروی مهاجم در «جنگ‌شناختی» سازش و تسلیم را در زوروقی از پیروزی و مصالحه‌ای از جنس برد-برده به حریف تحمیل می‌کند.این همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب از سال‌ها پیش در قالب «ختلال در دستگاه محاسباتی» بارها نسبت به آن هشدار داده‌اند. نویسنده سپس از «جهاد تبیین» به عنوان آنتی‌ویروس «جنگ‌شناختی» پیچیده همدان یاد کرده و نوشته است: غرب، «علوم مغزی» را به جنگ‌افزار مبدل کرده تا با بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های مغز انسان، زمینه «هک مغزی» و در نهایت «مهندسی اجتماعی» را فراهم سازد تا به «پیروزی بدون جنگ» دست یابد. از این روستم که چند روز پیش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «لاین را من از روی اطلاع عرض می‌کنم که امروز انبوهی از رسانه‌ها-نمی‌شود شمرد، به خصوص با این وضع فضای مجازی- با هزاران متخصص- متخصص هنر، متخصص رسانه، متخصص علوم ارتباطات، با پشتیبانی مالی انبوه، با پشتیبانی امنیتی انبوه در کارند، برای چه؟ برای اینکه در نظام جمهوری اسلامی افکار را بر گردانند، مذاق‌ها را برگردانند، ایمان‌ها را واپور‌ها را تضعیف کنند، تخریب کنند، این اجوراً است. حالا دیگران را هم کشورهای دیگر چه کار می‌کنند، آنها بحث‌های دیگری است. این مطلبی که من عرض می‌کنم، هدفی است متوجه به کشور ما، مردم ما، جمهوری اسلامی ما، باورهای ما، اعتقادات ما. هزاران دستگاه دارند در این زمینه کار می‌کنند با پول‌های گزاف و پشتیبانی‌های گوناگون. خوب، این یک حرکت شیطنانی است و جبهه شیطان است… از خودمان سؤال کنیم که ما در این جبهادی که وجود دارد، در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت- این جنگی است بین اینها- ما در کنج‌های این جبهه قرار داریم و حضور داریم؟»

دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۰ | ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ |

گزارش

نگاهی به نقش تبیین و روشنگری در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی

حفظ انقلاب مانند پیروزی آن وابسته به جهاد تبیین است



وقتی نخستین جرقه‌های انقلاب مردم ایران در ۱۵خرداد همان سال شعله کشید، شاید کمتر کسی امید داشت این حرکت مردمی به سرانجام برسد. رژیم تئ تا بن دندان مسلح که نقش زائداندرمی آمریکا در منطقه را بازی می‌کرد و نظام سلطه خط قرمزش بود بر سر کار بود. خیلی‌ها امید ی به آینده این حرکت نداشتند. نه پای امکانات مالی برای پیروزی در میان بود و نه پای اسلحه و پشتیبانی نظامی، اما این حرکت ۱۵سال بعد به بار نشست و بنیان یک سلطنت ۴۷زاد و ۵۰ساله شاهنشاهی را که مردم در آن جایی نداشتند برکنند. چطور؟! پاسخ یک کلمه است: «روشنگری».

روشنگری رهبران نهضت درباره ماهیت حکومت طاغوتی پهلوی و آنچه در پشت می‌گذشت و آگاهی مردم، باعث شد حکومت دست‌نشانده‌ای که از انواع پشتیبانی‌ها برخوردار بود، در مقابل اراده مردم به زانو دربریايد و پسر رضاخان میرپنچ، به پهنانه استراحت، از کشور فرار کند و ایران به دست ایرانیان بیفتد. روشنگری مفهومی است که امروز و در نخستین گام‌های چله دم انقلاب هم در بیان رهبر انقلاب با عنوان «جهاد تبیین» و دژخیمان ساواک ترس می‌نداشتند، هر کجا که بودند آنجا محل جهاد بود، حتی وقتی در تبعید می‌بودند، بحث‌شان به راه بود. نقطه نقل این فعالیت‌ها، ارتباط با بدنه مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان بود. آزادی‌خواهان و واقعیت‌بینان و نهضت بوده است. در حالی که رژیم پهلوی هر روز به افزایش توان نظامی و امنیتی خود علیه مخالفان مشغول بود و تلاش می‌کرد با سرنیزه، مخالفان خود را سرکوب کند اما غافل بود که روش انقلاب اسلامی، پرورش و هدایت افکار و تسخیر قلوب است، تشکیل جلسات سخنرانی فکری در شهرهای مختلف، جلسات کتابخوانی حسینیه ارشاد، دست به دست شدن سخنرانی‌ها امام خمینی درباره ولایت فقیه، انتشار آخرین



سرورس سیاسی ۸۸۴۹۸۴۳۹

روزنامه جوان | شماره ۴۱۳

۱۳۵۷ بود.

ک.رد. جنگ هشت ساله، تجهیز گروهک‌های تروریستی، حمایت از منافقین، وضع تحریم‌های اقتصادی، شبخون فرهنگی، ترور دانشمندان و نخبان علمی، طراحی و پشتیبانی فتنه ۸۸ و… از اقداماتی بود که در طول این سال‌ها ملت ایران به راه انداخته است؛ جنایت‌هایی که بیش از پیش چهره واقعی جبهه کفر و نفاق و امریکا و انگلیس و پوشالی بودن شعارهایی نظیر حقوق بشر و آزادی و امنیت و ثبات را برای آحاد مردم روشن کرده است. سال‌هاست دشمن بیش از پیش متوجه شده است حلقه سخت اقدامات او به دلیل نداشتن لایه نرم فرهنگی و رسانه‌ای می‌تواند علیه او تمام شود و از این رو «مروز انبوهی از رسانه‌ها- نمی‌شود شمرد، به خصوص با این وضع فضای مجازی- با هزاران متخصص: متخصص هنر، متخصص رسانه، متخصص علوم ارتباطات، با پشتیبانی مالی انبوه، با پشتیبانی امنیتی انبوه در کارند، برای چه؟ برای اینکه در نظام جمهوری اسلامی افکار را برگردانند، مذاق‌ها را برگردانند، ایمان‌ها را واپور‌ها را تضعیف کنند، تخریب کنند، این اجوراً است، این هدفی است متوجه به کشور ما، مردم ما، جمهوری اسلامی ما، باورهای ما، اعتقادات ما. هزاران دستگاه دارند در این زمینه کار می‌کنند با پول‌های گزاف و پشتیبانی‌های گوناگون. خوب، این یک حرکت شیطنانی است و

مواضع امام خمینی در قالب اعلامیه‌ها به صورت وسع در کشور توسط شبکه‌های مردمی، فعال شدن شبکه روحانیت و علمای بلاد و ایفای نقش هدایت فکری و سیاسی مردم، همراه کردن نسل جوان دانشگاهی با بحث و نظر پیرامون جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی و پاسخ به شبهات نسل جوان آن روزها، بخشی از فعالیت‌هایی بود که شاگردان راستین امام روح‌الله برای مبارزه علیه طاغوت سامان دیدند.

مواضع امام خمینی در قالب اعلامیه‌ها به صورت وسع در کشور توسط شبکه‌های مردمی، فعال شدن شبکه روحانیت و علمای بلاد و ایفای نقش هدایت فکری و سیاسی مردم، همراه کردن نسل جوان دانشگاهی با بحث و نظر پیرامون جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی و پاسخ به شبهات نسل جوان آن روزها، بخشی از فعالیت‌هایی بود که شاگردان راستین امام روح‌الله برای مبارزه علیه طاغوت سامان دیدند.

■ «انقلاب» ثمره جهاد تبیین
مرو تلاش‌ها و خون دل خوردن‌های بیشتازان نهضت مردمی در آن سال‌ها نشان دهنده نقش تبیین و روشنگری است. امام خمینی و حلقه‌های او از هر فرصتی برای روشنگری دیگران استفاده می‌کردند. منبر، مسجد و هیئت، صحن دانشگاه، روستای دورافتاده، محافل خانگی، بازار و گذر و هر کوی و برزن شده بود حلقه‌ای برای بیان حقایق جنایت‌ها و خیانتهایی که رژیم وابسته پهلوی علیه مردم و حقوق و آزادی‌های آنان می‌کرد. لشکر تبیین گران، از سرا و گرما و دوری مسیر به پهنانه استراحت، از کشور فرار کند و ایران به دست ایرانیان بیفتد. روشنگری مفهومی است که امروز و در نخستین گام‌های چله دم انقلاب هم در بیان رهبر انقلاب با عنوان «جهاد تبیین» و دژخیمان ساواک ترس می‌نداشتند، هر کجا که بودند آنجا محل جهاد بود، حتی وقتی در تبعید می‌بودند، بحث‌شان به راه بود. نقطه نقل این فعالیت‌ها، ارتباط با بدنه مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان بود. آزادی‌خواهان و واقعیت‌بینان و نهضت بوده است. در حالی که رژیم پهلوی هر روز به افزایش توان نظامی و امنیتی خود علیه مخالفان مشغول بود و تلاش می‌کرد با سرنیزه، مخالفان خود را سرکوب کند اما غافل بود که روش انقلاب اسلامی، پرورش و هدایت افکار و تسخیر قلوب است، تشکیل جلسات سخنرانی فکری در شهرهای مختلف، جلسات کتابخوانی حسینیه ارشاد، دست به دست شدن سخنرانی‌ها امام خمینی درباره ولایت فقیه، انتشار آخرین

سفیر سابق ایران در ایتالیا:

توپ گفت‌وگوهای وین در زمین طرف مقابل است

تضامینی از آنها گرفته شود تا مجدداً نتوانند به زیر میز بزنند، تصریح کرد: بایدن نیز اذعان می‌کند اگر بخواهیم تضمینی دهیم، ممکن است در آینده کنگره مخالف کند و دولت بعدی که احتمالاً جمهوری‌ریخواه خواهد بود، متعهد به این تضامین نخواهد ماند، بنابراین تمامی تحرکات و دیپلماسی ایران طبق یکسری قوانین کنگره مغل امنیت و منافع ملی امریکاست. لذا در ذات، توافق با امریکا شکننده است. ظهروند با بیان اینکه توپ در زمین طرف مقابل است، تأکید کرد: نسبت به متن توافق و مطالبات ایران بحثی وجود ندارد و تنها مسئله بحث تضمین است که آقای بایدن اظهار عجز می‌کند و متعقد است نمی‌تواند تضمین‌کننده تضمینی باشد که شرایط او، بتواند آن را حفظ کند.

تضامینی از آنها گرفته شود تا مجدداً نتوانند به زیر میز بزنند، تصریح کرد: بایدن نیز اذعان می‌کند اگر بخواهیم تضمینی دهیم، ممکن است در آینده کنگره مخالف کند و دولت بعدی که احتمالاً جمهوری‌ریخواه خواهد بود، متعهد به این تضامین نخواهد ماند، بنابراین تمامی تحرکات و دیپلماسی ایران طبق یکسری قوانین کنگره مغل امنیت و منافع ملی امریکاست. لذا در ذات، توافق با امریکا شکننده است. ظهروند با بیان اینکه توپ در زمین طرف مقابل است، تأکید کرد: نسبت به متن توافق و مطالبات ایران بحثی وجود ندارد و تنها مسئله بحث تضمین است که آقای بایدن اظهار عجز می‌کند و متعقد است نمی‌تواند تضمین‌کننده تضمینی باشد که شرایط او، بتواند آن را حفظ کند.

نماینده مردم تهران در مجلس:

درباره قرارداد کر سنت باید به نسل آینده پاسخگو باشیم



میلیارد دلار خسارت به کشور وارد می‌کند، مفاد آن را هم محرمانه می‌سازند، به گونه‌ای که یک جایی یک اتفاقی برای کشور رخ می‌دهد که مجلس از آن بی‌خبر می‌ماند و به سبب محرمانه بودن آن خسارت هایی به کشور وارد می‌شود. شریعتی نیاسر اظهار کرد: وضعیت کر سنت را مشاهده کنید، خود را مطرح می‌کنند، کمیسیون اقتصادی هم بند بند آن را بررسی کرده است.

استاد جاسوسی سخاخانه

دکتر حجت‌الله نوری ساری

چطور مردم ایران امریکایی‌ها را غافلگیر کردند؟

استانلی تی. اسکودرو یکی از عناصر سفارت سابق امریکا در تهران بود که در دوران پهلوی دو مرتبه در پوشش دیپلماتیک و برای انجام مأموریت خود به ایران اعزام شد (که آخرین بار به صورت موقت بین آبان‌ماه و دی‌ماه ۱۳۵۷ بود).

اسکودرو در گزارش‌شی با عنوان «چه اشتباهی در ایران رخ داد» که در سند شماره ۱۲ جلد هفتم اسناد لانه جاسوسی متن کامل آن آمده است، اعترافات جالبی در مورد روابط شاه با امریکا عنوان می‌کند و می‌نویسد: «در تمام مدت بعد از جنگ [جهانی دوم] و به خصوص از سال ۱۹۵۳ م. [۱۳۳۲ ش.] به این طرف، امریکا با شاه ایران و رژیمش رابطه‌ای بسیار نزدیک برقرار نمود. ما در سرگونی نخست وزیر چمرگرا و ناسیونالیست یعنی مصدق و بازگرداندن شاه از تبعید مختصرش در اروپا نقش بسیار مؤثری را ایفا نمودیم. ما چند میلیارد دلار در زمینه پروژه‌های کمک دوجانبه مصرف کردیم که بسیاری از آنها به خوبی قابل درک بود و مورد تمجید قرار گرفت. بر اساس منافع مشترک امنیتی و نیز قدرت خرید ایران، ما به ایران کمک کردیم تا به صورت قدرت بی‌چون و چرادر خلیج فارس درآید. ما در آن کشور دارای هزاران مستشار و تکنیسین نظامی و غیرنظامی بودیم. از حاکمی نیرومند و مستبد حمایت می‌کردیم که در نتیجه بصیرت خویش به ضرورت عمران ملی پی برده بود.» (اسناد لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۸۶، ج ۷: ۴۳).

این مقام امریکایی در ادامه گزارش خود از دومین سفرش به ایران، شرایط اتباع امریکایی در ایران را اینطور روایت می‌کند: «پس از بازگشت به تهران در نوامبر ۱۹۷۸ م، پس از ۳۷/۵سال دوری از این شهر، متوجه شدم شاه آخرین روزهای عمر حکومت خود را پشت سر می‌گذارد. مقامات امریکایی با وسایط نقلیه زرهی و همراه گاردهای مسلح سفر می‌کردند تا آنها نه در برابر گروه‌های منزوی تروریستی بلکه در برابر دسته‌های غلطی از افراد ایرانی معمولی حراست به عمل آید. سفارت و دیگر تأسیسات امریکا و دولت ایران نیز به وسیله کامیون‌های مملو از سربازان ایرانی مسلح به سلاح‌های خود کار در برابر این گونه خطرات حراست می‌شد.» (اسناد لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۸۶، ج ۷: ۴۴-۴۳)

اسکودرو با اذعان به این نکته مهم که مقامات کاخ سفید، واقعیت‌های جامعه را نادیده گرفتند، در نهایت تحلیل خود را چنین جمع‌بندی می‌کند: «ساده‌تر گویم، ما برای سقوط رژیم پهلوی آماده نبودیم، چون نمی‌خواستیم واقعیت‌را بپذیریم. گفتن این مطلب که پس از سال ۱۹۵۳ شاه به صورت بازیچه امریکا در آمده بود، بی‌الفه آمیز است ولی این مبالغه چندان شدید نیست» (اسناد لانه جاسوسی امریکا، ۱۳۸۶، ج ۷: ۴۵).

گزیده‌خبر

سخنگوی اسبق دستگاه دیپلماسی:

سفر رئیس‌جمهور به روسیه بالاتر از استاندار دپرو تکل‌ها بود

سفر رئیس‌جمهور کشورمان به روسیه یک سفر رسمی بود و بر اساس پرو تکل سفرهای رسمی در روسیه، طبق استاندارد و بلکه بالاتر از آن هم صورت گرفت. حمیدرضا صفی، سخنگوی اسبق دستگاه دیپلماسی روز یک‌شنبه در گفت‌وگو با ایرنا، با اشاره به حواشی ایجاد شده درباره



سفر اخیر رئیس‌جمهور کشورمان به روسیه، گفت: آیت‌الله رئیسی در دوران انتخابات مواره بر کار با همسایگان و منطقه تأکید داشت و هم‌اکنون نیز شاهد هستیم سیاستی را که همان زمان تعیین کرده بود، دنبال می‌کند. نگاه به همسایگان و کشورهای آسیایی، سیاست بسیار درستی است و باید آن را ادامه داد.

وی با بیان اینکه سفر به روسیه در چارچوب نگاه به همسایگان و نگاه به کشورهای منطقه صورت گرفته است، اضافه کرد: ما با روسیه پیوندهای مختلف، نگاری‌ها و علاق می‌شتر کی داریم. لذا سفر به روسیه بسیار بهنگام صورت گرفت و موضوعات متنوعی در دستور کار بود و روس‌ها در این سفر، با دیدگاه و خواسته‌های ما موافق بوده و همکاری کردند. در بسیاری از کشورها، از جمله روسیه و کشورهای اروپایی، سفرها دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌شود. یک سفر که به آن اصطلاحاً استیت ویزیت هم می‌گویند، همان سفر دولتی و حکومتی است، به این معنا که یک سفر رسمی و یک سفر غیر دولتی است.

سفیر اسبق کشورمان در آلمان با تأکید بر اینکه شئون‌ها سفر، بر اساس نوع سفر تعیین می‌شود، افزود: سفر به روسیه، سفری دوجانبه بود که بر اساس ضرورت کر و نا، نمی‌توانستیم یک هیئت بلندپایه اعزام یا به استقبال بیاید. این سفر، سفر حکومتی نبود؛ اگر سفر حکومتی بود، باید تمام آن موضوعاتی که مطرح شده است می‌توانست در این سفر تفسیر شود. اما این سفر، یک سفر رسمی بود و بر اساس پروتکل سفرهای رسمی در روسیه، طبق استانداردها و بلکه بالاتر از آن هم صورت گرفت. به طور معمول در سفرهای رسمی، معاون وزیر به استقبال می‌رود اما در روسیه وزیر به استقبال رئیس‌جمهور ما آمد و خود روس‌ها هم به این موضوع اشاره کردند که این استقبال به خاطر اهمیتی بود که به این سفر آنها داشت. وی با تأکید بر اینکه نکته مهم در این سفرها محتوای آن است، یادآور شد: فراموش نکنیم آقای رئیسی با وجود اینکه تنها پنج با شش ماه است دولت را در اختیار گرفته‌اند، سفرهای مهمی را در دستور کار قرار دادند و طبیعی است که دولت‌همان در سفرهای مهم قبل از اینکه به تشریفات بپردازند به محتوای سفرها اهمیت بدهند. تشریفات هم بسیار مهم است، یعنی باید آداب و تشریفات رعایت شود که این سفر سفر عایت بوده. به نظر من موضوع حواشی موضوعی نیست که موجب دغدغه یا دلمشغولی مردم شود.

یک نماینده مجلس:

کشورهای همسایه فرصت طلایی برای ایران هستند

دولت سیزد کشور را فقط معطل مذاکرات نمی‌کند و از ظرفیت کشورهای همسایه به‌شوق نیز برای رفع مشکلات استفاده می‌کند. حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به کارنامه دولت در عرصه سیاست خارجی گفت: جمهوری اسلامی ایران با همه کشورهای دنیا از غرب تا شرق ارتباط دارد و ما باید بتوانیم ارتباطات خود را با کشورهای دنیا تقویت کنیم و مسائل و مشکلات کشور از این طریق حل و فصل شود. وی متذکر شد: دولت روحانی صرفاً با کشورهای غربی تعامل برقرار می‌کرد و انطور که باید و شاید به کشورهای همسایه به‌شوق توجه نکرد. تعامل با شرق و همسایگان و فرصت‌هایی که از این طریق برای کشورمان به وجود می‌آید، برای ما بسیار مهم است و می‌تواند روی تصمیمات آینده و بهبود مسائل اقتصادی ایران اثر گذار باشد. دولت سیزدهم نشان داده است کشور را فقط معطل مذاکرات نمی‌کند و همزمان با بازیگری برای رفع تحریم‌ها، تعامل با سایر کشورهای دنیا را هم در دستور کار دارد.

پژمانفر تصریح کرد: دولت روحانی در تلاش بود مسائل و مشکلات کشور را فقط از طریق ارتباط با کشورهای غربی و با میز مذاکره حل کند و حتی به همه کشورهای غربی توجه نمی‌کرد و صرفاً با چند کشور غربی ارتباط داشت که آن نگاه هیچ‌سودی برای ایران نداشت. وی بیان کرد: همه کشورها از جمله کشورهای همسایه فرصت طلایی برای ما هستند و باید از ظرفیت تعامل و ارتباط با این کشورها به خوبی و برای رفع مشکلات کشور بهره‌مند شویم.